

ارائه مدل اثرگذار هویت و اعتماد اجتماعی بر نگرش به توسعه‌ی سیاسی (مورد مطالعه: مردم شهر تهران)

* بابک ارسیا

E-mail: babakarsia@yahoo.com

** احمد ساعی

E-mail: saie@ut.ac.ir

*** علیرضا ازغندی

E-mail: a-azghandi@srbiau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۵

چکیده

پژوهش حاضر با عنوان «ارائه‌ی مدل اثرگذار هویت و اعتماد اجتماعی بر نگرش به توسعه سیاسی» در بین شهروندان تهرانی بالای ۱۸ سال شهر تهران اعم از زن و مرد، انجام گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش پیمایش است و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها نیز پرسشنامه بوده است. پرسشنامه‌ها بین ۷۲۴ نفر شهروند تهرانی بالای ۱۸ سال که به صورت کاملاً تصادفی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند، توزیع گردید. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که هویت اجتماعی و تمامی ابعاد چهارگانه‌ی آن و همچنین اعتماد اجتماعی و تمامی ابعاد یازده‌گانه‌ی آن بر روی نگرش شهروندان تهرانی به نگرش به توسعه‌ی سیاسی و ابعاد سه‌گانه‌ی آن تأثیر مثبت دارند. اما هویت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و نگرش شهروندان تهرانی به توسعه‌ی سیاسی در سطح مطلوبی نیست.

کلید واژه‌ها: هویت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، نگرش به توسعه سیاسی.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی (مسائل ایران)، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی،

واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران، نویسنده‌ی مسئول

*** استاد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران

مقدمه و طرح مسأله

هویت سرچشمه‌ی معنا و تجربه برای مردم است. شناسایی و تعریف خویشتن که همواره نوعی برساختن محسوب می‌شود، هرگز به تمامی از چگونگی شناخته‌شدن از سوی دیگران جدا نیست. فرایند معناسازی و هویت‌یابی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ی به‌هم‌پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی صورت می‌گیرد. از دید جامعه‌شناسان هویت‌یابی فرایندی است که مدام در معرض بازسازی است و عوامل این بازسازی به لحاظ اجتماعی، تاریخی و فرهنگی متفاوت است (رفعت‌جاء، ۱۳۸۳: ۳). هویت اجتماعی از متغیرهای اثرگذار بر نگرش به توسعه‌ی سیاسی است که از طریق اعتماد اجتماعی نیز بر نگرش به توسعه‌ی سیاسی اثر می‌گذارد. بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که کاهش اعتماد اجتماعی، بحران هویت را به همراه دارد (گیدنز، ۱۳۸۰: ۲۴۹). بی‌تردید مسأله‌ی هویت مسأله‌ی آینده‌(های) ما نیز هست. در اینجا آنچه مهم می‌نماید این نیست که نویسنده یا صاحب‌نظری معضل هویت را بی‌معنی و بیهوده یا برعکس مهم و استراتژیک تلقی کند، بلکه مهم، حضور مسأله‌ساز هویت در شرایط و ساختار اجتماعی - سیاسی، و تأثیرگذاری آن بر تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و روابط فردی، گروهی و ملی است. بنابراین جدای از پارادایم فکری اندیشمندان، و فارغ از توجه ایجابی و سلبی آنها به موضوع، هویت خود را به مثابه‌ی یک مسأله‌ی اجتماعی بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی کنشگران تحمیل می‌کند.

توسعه‌ی سیاسی که امروزه از مهم‌ترین وجوه توسعه در جهان است، در جوامع امروزی شامل سه ضلع مهم دولت، جامعه‌ی مدنی و شهروندان است (عبداللهی، ۱۳۹۰: ۲۲۸). لذا این مشروعیت و ارتباط دولت و مردم تنها در سایه‌ی اعتماد ایجاد می‌شود، و چنانچه این اعتماد ایجاد نشود نوعی بیگانگی و بی‌تفاوتی سیاسی بین دولت و مردم ایجاد خواهد شد، که عدم مشارکت مردم در امور سیاسی را در پی دارد.

اعتماد اجتماعی یکی از ابعاد بسیار مهم زندگی بشری است. در واقع اعتماد باعث تدوام کنش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و بدون اعتماد هیچ کنش متقابل مطمئنی صورت نمی‌گیرد. از نظر اینگلههارت اعتماد اجتماعی متقابل یکی از پیش‌نیازهای فرهنگ مدنی و ایجاد دموکراسی پایدار محسوب می‌شود. او معتقد است که اعتماد متقابل بخشی از نشانگان فرهنگی پایداریست که به بقای دموکراسی منجر می‌شود (اینگلههارت، ۱۳۷۳: ۱۲۱). بدیهی است که فضای بی‌اعتمادی در جامعه سبب قطع

کانال‌های ارتباطی مردم با دولت می‌گردد، و این امر بر روی روند توسعه‌ی سیاسی در جامعه تأثیر منفی خواهد داشت و نهادهای ذیربط را با مشکل مواجه خواهد ساخت. ایران به لحاظ فضای جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی از جمله جوامعی است، که تنوع هویت‌های را در خود جای داده است، در واقع همزیستی این هویت‌ها زیر یک نظام سیاسی واحد و شکل‌گیری اعتماد اجتماعی بین آنان است که این ارتباط را مسأله‌مند کرده است. بنابراین مسأله‌ی اصلی این پژوهش بررسی روندی از اعتماد اجتماعی بین هویت‌های مختلف و چگونگی قرار گرفتن این هویت‌ها در مسیر توسعه‌ی سیاسی است. آیا اعتماد و هویت اجتماعی با تمام تفاوت‌های محیطی و فرهنگی خود بر نگرش به توسعه سیاسی اثرگذار هستند؟ در واقع آنچه این سه متغیر را به هم ربط می‌دهد سطحی از احساس تعلق به جامعه است که در قالب اعتماد افراد جامعه به یکدیگر و در نتیجه شکل‌گیری هویتی واحد تحت عنوان هویت ملی نمایان می‌شود، که نگرش به توسعه‌ی سیاسی در بین افراد را تحت شعاع قرار می‌دهد.

نظریه‌های توسعه سیاسی

نظریه‌های توسعه‌ی سیاسی را می‌توان در دو قالب نظریه‌های کلاسیک و جدید دسته‌بندی کرد:

الف) نظریه‌های کلاسیک توسعه سیاسی

انقلاب رفتارگرایی بعد از جنگ جهانی دوم وارد علم سیاست شد که توسل به آن بکارگیری فنون کمی بود. در این رویکرد توسعه‌ی سیاسی صرفاً به‌عنوان محصول پدیده‌های خارجی از جمله به‌عنوان اثری از دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از جمله‌ی مهم‌ترین نظریه‌ها در این راستا نظریه‌ی کارکردگرایی توسعه است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نظریه‌ی کارکردگرایی توسعه‌ی سیاسی: این نظریه نظام سیاسی را به مثابه‌ی مجموعه‌ای از عناصر به هم پیوسته در نظر می‌گیرد. به نظر آلموند و کلمن، همه‌ی نظام‌های سیاسی ارزش‌ها، هنجارها، ساختارها و نقش‌های دارند. ارزش همان فرهنگ سیاسی است. هنجارها قوانین هستند، ساختارها، نهادهای سیاسی هستند و نقش‌ها همان منصب‌ها و پست‌های سیاسی هستند. هر نظام سیاسی در هر سطحی از توسعه، مجهز به ساختارهای سیاسی قابل مقایسه با ساختارهای موجود در جوامع نو است. در تمامی نظام‌های سیاسی، کار ویژه‌های یکسانی صورت می‌گیرد و همه‌ی ساختارهای سیاسی،

چند کارکردی هستند و تمام نظام‌های سیاسی چندکارکردی هستند، و تمام نظام‌های سیاسی ترکیبی از نو و سنت هستند. هفت کارویژه آموزش و عضوگیری سیاسی، بیان منافع، تجمع منافع، ارتباطات سیاسی، تمهیدهای قانونی، اجراهای قانونی و عملکرد قضایی در نظام سیاسی وجود دارد. کارکردهای نظام سیاسی تبدیل، کارویژه‌های تطبیق و بالاخره کارآمدی نظام سیاسی و پاسخگویی است و ارزش‌ها همان فرهنگ سیاسی است که در جوامع سنتی و جدید متفاوت است.

نظریه‌های ساختارگرایی توسعه‌ی سیاسی: مفهوم اصلی ساختارگرایی، نفی کارگزاری انسان، گروه‌ها و طبقات اجتماعی است و بر تأثیر تعیین‌کننده‌ی ساختارهای ناخودآگاه و پنهان بر آگاهی و عمل انسان تأکید شده است. انسان به مثابه‌ی حامل ساختارهای ناخودآگاه و ساختارگرایی معرفتی در فرانسه و در آرای گاستون باشلار (۱۹۶۲-۱۸۸۴) و مارسل موس (۱۹۵۰-۱۸۷۲) مطرح شده است. همان‌گونه که گوینده لزوماً از ساختارها و زبان خویش آگاه نیست، افراد هم از ساختارهای اصلی کردارهای خود آگاه نیستند. روانکاو ژاک لاکان هم در ساختارگرایی مؤثر بود. این رویکرد از نظر زمانی نیز با توجه به ارزشی که برای تاریخ قائل است، توسعه سیاسی را فرآیندی بلندمدت و قابل بررسی و ارزیابی می‌داند.

(ب) نظریات جدید توسعه‌ی سیاسی

نظریه‌های جدید توسعه‌ی سیاسی برخلاف نظریه‌های کلاسیک ساختارگرا، کنش‌گرایانه هستند و رویکردی کوتاه‌مدت به توسعه‌ی سیاسی دارند و به نوعی مهندسی فرهنگی و اجتماعی قائل هستند؛ البته نه از نوع تمامیت‌خواهانه‌ی آن که در رژیم‌های تمامیت‌خواه اعمال می‌شود، بلکه به جهت اهمیتی که برای نقش کنشگر در فرآیند توسعه‌ی سیاسی قائل هستند (پوپر، ۱۳۷۷: ۳۵۴؛ بوستی، ۱۳۷۹: ۶۵).

هویت اجتماعی

بیشتر روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت، هویت را در درجه‌ی نخست امری فردی و شخصی می‌دانند. به هر حال از این دیدگاه، هویت عبارت است از «احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی» (یاکوبسن، به نقل از کیدقان، ۱۳۸۰: ۱۶). اما روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان بر این واقعیت تأکید می‌کنند که احساس هویت فردی به واسطه‌ی دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل

می‌گیرد. آنها کم و بیش می‌پذیرند که هویت معمولاً در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود پیدا می‌کند، اما بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است، لذا هویت اجتماعی نمود یافته در شخصیت، جدا از دنیای اجتماعی دیگر افراد معنایی ندارد. بنابراین در این پژوهش محور مباحث را نظریه‌های جامعه‌شناسی قرار داده‌ایم. بر این اساس ما با الگوبرداری از نظریات جامعه‌شناسی، هویت اجتماعی را در چهار بعد هویت ملی، جهانی، دینی و فرهنگی مورد بررسی قرار داده‌ایم. هویت ملی، به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف شده‌ی سیاسی است. هویت جهانی، به معنای شکل‌گیری احساس تعلق فرد به نظام جهانی و تعهد وی به جامعه جهانی است. هویت دینی، مجموعه‌ای از تصورات و برداشت‌هایی است که هر فرد از مسائل مذهبی و دینی دارد. هویت فرهنگی، به مجموعه مشخصات و ویژگی‌های فرهنگی اطلاق می‌شود که یک فرهنگ را از فرهنگ‌های دیگر متمایز می‌کند و بین اعضای یک فرهنگ احساس تعلق و همبستگی ایجاد می‌کند. خلاصه‌ای از دیدگاه‌های نظری مطرح در این پژوهش در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۱: مقایسه نظریه‌های هویت

نظریه پرداز	منابع هویت	ویژگی هستی‌شناختی	بعد هویت	سطح تحلیل
گیدنز	زندگی روزمره، زمان گذشته، مکان، سبک زندگی، رسانه‌ها، اعتماد به دیگران و موقعیت‌های نهادی	یکپارچه	فردی / جمعی	ساختار / عامل
جنکینز	فرآیند اجتماعی شدن، فرآیندهای جاری تعامل، تن، قدرت و سیاست، نهادها، زمان و مکان، گذشته، خویشاوندی و قومیت	یکپارچه	فردی / جمعی	ساختار / عامل
کاستلز	تاریخ، جغرافیا، زیست‌شناسی، نهادهای اجتماعی، خاطره جمعی، رؤیاهای شخصی، دستگاه قدرت، وحی و الهامات دینی	گسسته	جمعی	ساختار / عامل
هال	نظام فرهنگی، زمان گذشته، روایت ملت، سنت‌های اختراعی، اسطوره بنیادین، تعلق به مکان	گسسته	جمعی	ساختار / عامل
برگر	برنامه زندگی، زیست‌جهان و آگاهی	گسسته	فردی	عامل

منبع: محقق ساخته

در این راستا در پژوهش حاضر مبنای تحلیل ما از هویت نظریه گیدنز است.

نظریه‌ی گیدنز بر ظهور سازوکارهای نوین هویت شخصی متمرکز است که در عین حال هم زاینده نهادهای امروزی هستند و هم به آنها شکل می‌دهند. از این جهت «خود» مفهوم منفعلی نیست که صرفاً تحت تأثیرات برونی شکل گرفته باشد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۶). او بر اساس رویکرد تلفیقی (ساختار و عامل) معتقد است که برای نخستین بار در تاریخ بشریت، «خود» و «جامعه» در محیطی جهانی با یکدیگر به تعامل می‌پردازند.

اعتماد اجتماعی

از نظر زتومکا، برخورداری جامعه جدید از ویژگی‌های منحصر به فردی چون آینده‌گرایی، شدت وابستگی متقابل، تزاید نقش‌ها و تمایز اجتماعی، بسط نظام انتخاب، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، ناشناختگی و تقویت گمنامی و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی، نقش اعتماد در حیات اجتماعی را واقعیتی جدی نموده است (زتومکا، ۱۹۹۹: ۱۰). وی بر این عقیده است که: ۱- اعتماد بُعد مهمی در جامعه‌ی مدنی است و پیوند نزدیکی با اجتماع متجانس شهروندان و تعهد و وفاداری آنها به اقتدار سیاسی دارد، ۲- اعتماد شاخص مسلم سرمایه‌ی اجتماعی و فرهنگی است، ۳- اعتماد با ارزش‌های فرامادی پیوند دارد به گونه‌ای که کیفیت زندگی و بهزیستی روانی، پیوستگی مستحکمی با اعتماد تعمیم‌یافته دارد، ۴- اعتماد یکی از عناصر صلاحیت و کفایت تمدنی و پیش‌نیاز برای مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی و مانند آن است (غفاری، ۱۳۸۳: ۱۰).

پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع مرتبط، یعنی هنجارهای همیاری و شبکه‌های مشارکت مدنی می‌داند: «هنجارهای همیاری و شبکه‌های مشارکت مدنی باعث افزایش اعتماد و همکاری‌های اجتماعی می‌شود؛ چرا که انگیزه‌های عهدشکنی و نیز جو ابهام‌آمیز و غیرشفاف را کاهش می‌دهند» (پاتنام، ۱۹۹۳: ۳۹). لذا پاتنام مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و مدنی را از سازوکارهای تبدیل اعتماد شخصی یا خاص، اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته معرفی می‌کند. از طرف دیگر، پاتنام وجود اعتماد اجتماعی در جامعه را موجب تقویت هنجارهای همیاری و فعالیت‌های مدنی می‌داند و معتقد است، «کسانی که به همشهریان خود اعتماد می‌کنند، بیشتر داوطلب اجرای برخی از کارها می‌شوند، بیشتر صدقه می‌دهند، مشارکت بیشتری در سیاست و سازمان اجتماعی دارند، در مقابل دیدگاه‌ها بردبارترند و احتمال بیشتری وجود دارد که به حقوق دیگران احترام بگذارند» (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۵۷). انواع اعتماد در منابع مختلف عبارتند از: اعتماد میان فردی یا بین شخصی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد نهادی.

۱- اعتماد بین شخصی

این نوع از اعتماد در روابط چهره به چهره جای می‌گیرد ارتباطی که در آن حداقلی از کنشگران یعنی دو نفر حضور دارند. زتومکا در توضیح این نوع از اعتماد اظهار می‌دارد «باریک‌ترین شعاع اعتماد در بین اعضای خانواده‌ی خودمان است، که فضایی مملو از صمیمیت و نزدیکی بر آن حاکم است. به این ترتیب اعتماد به افرادی است که مشخصاً آنها را به اسم می‌شناسیم، رابطه‌ی چهره به چهره با آنان داریم مانند: دوستانمان، همسایه‌ها، شرکای تجاری و همکاران. این نوع از اعتماد صمیمیت و نزدیکی قابل توجهی را می‌طلبد (زتومکا، ۱۹۹۹: ۴۳). به لحاظ نظری در یک رابطه‌ی مبتنی بر اعتماد؛ حداقل دو نفر حضور دارند اعتمادکننده و فرد مورد اعتماد. در این رابطه، فرد مورد اعتماد بالقوه می‌تواند واکنش‌های متفاوتی از خود بروز دهد که به دو دسته واکنش‌های مثبت و واکنش‌های منفی تقسیم‌بندی می‌شود. فرد زمانی اعتماد می‌کند که احتمال انجام واکنش‌های مثبت بیشتر باشد و در مقابل اطلاعات مربوط به احتمال؛ انجام واکنش‌های منفی نادیده گرفته شود (امیرکافی، ۱۳۷۵: ۷۴).

۲- اعتماد تعمیم‌یافته یا عام

شعاع رابطه در اعتماد تعمیم‌یافته یا عام گسترده‌تر است، و وقتی مطرح می‌شود که از حوزه‌ی خانواده و همسایگی بیرون می‌رویم و با نهادهای عمومی و اصناف و گروه‌هایی که با ما فاصله دارند، رابطه برقرار می‌کنیم (خادمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

۳- اعتماد نهادی

اعتماد نهادی حالت انتزاعی اعتماد به نهادها و سازمان‌ها، نظیر مدرسه، ارتش، دانشگاه، دادگاه، نیروی انتظامی، بنگاه‌های اقتصادی و مانند آن است. میزان اعتمادی که مردم به نهادهای گوناگون دارند، در بین جوامع متفاوت است و به مرور زمان دستخوش تغییر می‌شود. هم‌چنین نوعی از اعتماد به نهادها وجود دارد که اعتماد رویه‌ای نامیده می‌شود. اعتمادی که در اعمال یا رویه‌های نهادی شده بر مبنای این اعتقاد وجود دارد که اگر از این رویه‌ها و اعمال پیروی شود، بهترین نتایج حاصل خواهد شد؛ مانند اعتماد به شیوه‌های مردم‌سالارانه (انتخابات، نمایندگی، اکثریت آرا ...) به‌عنوان بهترین شیوه برای تأمین منافع بزرگ‌ترین بخش از جمعیت و کسب مستدل‌ترین توافقی‌ها در میان منافع متعارض، یا اعتماد به درستی فرآیندهای قانونی به‌عنوان بهترین ابزار نیل به داوری موجه و عادلانه (زتومکا، ۱۳۸۶: ۸۳).

چارچوب نظری

در این پژوهش چارچوب نظری را بر پایه‌ی رویکرد تلفیقی از تئوری‌های پاتنام، زتومکا و گیدنز قرار داده‌ایم. جامعیت رویکردهای نظری آنان، صورت‌بندی مشخص و دقیق از مفاهیم اعتماد اجتماعی شامل، اعتماد میان فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی، و قابلیت نظری رویکرد آنان، پاسخگویی به تبیین توسعه‌ی سیاسی را امکان‌پذیر می‌سازد. نظریات هویت نیز چهار مؤلفه‌ی هویت ملی، جهانی، دینی و فرهنگی را ذکر کرده که ذیل نظریه‌ی گیدنز به تحلیل آن می‌پردازیم.

در مدل مورد آزمون هویت اجتماعی به دو طریق اثرگذاری مستقیم بر نگرش به توسعه‌ی سیاسی و اثرگذاری بر اعتماد اجتماعی و تقویت و تبیین نگرش به توسعه‌ی سیاسی نقش ایفا می‌کند. براساس تحلیل اندیشه‌های پاتنام و زتومکا در واکاوی مفهومی و کارکردی اعتماد اجتماعی می‌توان استدلال کرد که روابط و مشارکت اجتماعی خمیرمایه‌ی اعتماد اجتماعی است که در قالب اعتماد اجتماعی میان فردی و تعمیم‌یافته، گسترده است و شعاع این روابط سهم و نقش کلیدی پیدا می‌کنند، چرا که در صورت وجود اعتماد اجتماعی دایره‌ی شمول افرادی که می‌توان به آنها اعتماد کرد وسیع‌تر می‌گردد و در واقع گروهی که فرد عضویت آن را پذیرفته و اجتماعی که او به آن تعلق دارد، و هویتی که از طریق این گروه کسب کرده است، احساس تعلق اجتماعی به اجتماع یا گروه را تقویت می‌کند و همزمان با آن امنیت ایجاد می‌شود، چرا که افراد در حوزه‌ای قرار می‌گیرند که شمول اخلاقی دارد. بنابراین در چنین فضایی کسی در صدد آسیب رساندن به دیگران نیست و از میزان آسیب‌پذیری و ریسک کاسته می‌شود و در نتیجه عواملی که بیشترین مانع را در ایجاد و تقویت اعتماد به وجود می‌آورند مثل اضطراب، نگرانی و ترس وجود ندارد. با ازبین رفتن ترس و نگرانی‌ها تغییر مهمی حاصل می‌شود و دوستی‌ها افزایش می‌یابد. با تقویت دوستی، مودت، اخوت و تعهد در ابعاد مختلف شکل می‌گیرد و افراد در آن حوزه نسبت به یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند. در این حالت احساس امنیت در اجتماع تقویت می‌شود که خود مقوم و تبیین‌کننده‌ی اعتماد اجتماعی است. به عبارت دیگر وجود اعتماد در سطح بین‌شخصی و اعتماد تعمیم‌یافته و در تعاملات چهره به چهره و سایر تعاملات اجتماعی فضایی را پدید می‌آورد که فرد احساس تعلق بیشتری به جامعه می‌کند و از فشارهای ساختاری بر افراد کاسته یا به سخنی دیگر فرد بیشتر احساس آزادی می‌کند و زمینه برای رضایت فرد از فضای ایجاد شده در ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی ایجاد می‌شود. با ایجاد چنین فضایی راه برای توسعه‌ی سیاسی که بر سه مؤلفه (احساس آزادی سیاسی، رضایت از اوضاع سیاسی و حس تعلق به جامعه) استوار است فراهم می‌گردد و در ضمن آن اعتماد متقابل بین دولت و مردم سطحی از آزادی سیاسی را امکان‌پذیر می‌سازد و رضایت طرفین فراهم می‌شود.

فرضیه‌های تحقیق

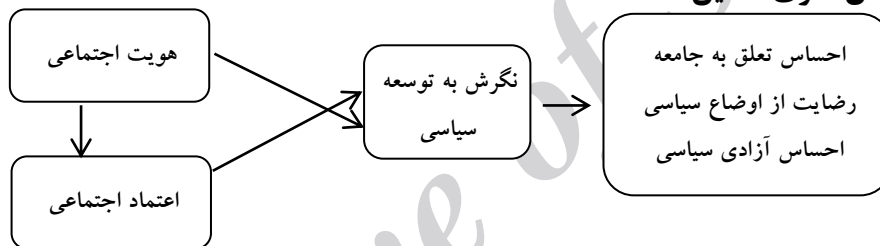
فرضیه‌ی اصلی

هویت و اعتماد اجتماعی بر نگرش به توسعه‌ی سیاسی در بین شهروندان تهرانی مؤثر است.

فرضیه‌های فرعی

- ۱- اعتماد اجتماعی بر رضایت از اوضاع سیاسی در میان شهروندان تهرانی مؤثر است.
- ۲- اعتماد اجتماعی بر احساس آزادی سیاسی در بین شهروندان تهرانی مؤثر است.
- ۳- اعتماد اجتماعی بر احساس تعلق به جامعه در میان شهروندان تهرانی مؤثر است.
- ۴- هویت اجتماعی بر رضایت از اوضاع سیاسی در میان شهروندان تهرانی مؤثر است.
- ۵- هویت اجتماعی بر احساس آزادی سیاسی در میان شهروندان تهرانی مؤثر است.
- ۶- هویت اجتماعی بر احساس تعلق به جامعه در میان شهروندان تهرانی مؤثر است.

مدل نظری تحقیق



روش‌شناسی

این تحقیق به روش پیمایش اجتماعی انجام گرفته است و واحد تحلیل و نیز سطح مشاهده‌ی فرد است. جامعه‌ی آمار تحقیق نیز کلیه شهروندان تهرانی بالای ۱۸ سال شهر تهران اعم از زن و مرد است، که در سال ۱۳۹۷ به نوعی در این استان مشغول زندگی هستند. نمونه حدود ۷۵۰ نفر است که با توجه به ناقص بودن ۲۶ پرسشنامه، از کل نمونه حذف و نتایج ۷۲۴ پرسشنامه تحلیل شد.

از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده نموده‌ایم. در این راستا از بین مناطق ۲۲گانه‌ی تهران به صورت تصادفی، ۵ منطقه (۲۲ و ۱۸، ۱۲، ۴، ۳) را از شمال، جنوب و مرکز، شرق و غرب تهران انتخاب کرده‌ایم. سپس از بین ۵ منطقه‌ی انتخابی، ۵ حوزه را برگزیدیم و از بین ۵ حوزه ۱۰ بلوک را به صورت تصادفی انتخاب کردیم و از هر بلوک به صورت تصادفی تعدادی خانوار را انتخاب و از میان خانوارها نمونه‌ای را که شامل افراد بالای ۱۸ سال می‌شود به صورت تصادفی ساده برگزیده‌ایم. با توجه به مقدار ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای تمام ابعاد متغیرهای تحقیق که بالای ۰/۷۰ است می‌توان گفت که پرسشنامه از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

مختصات پیشنهادی

از مجموع ۷۲۴ پاسخگو حدود ۱/۵۲ درصد مرد و ۸/۴۶ درصد نیز زن هستند و ۱/۱ درصد نیز جنسیت خود را ذکر نکردند. به لحاظ ترکیب سنی حدود ۶/۶ درصد از پاسخگویان در این نمونه متعلق به گروه سنی ۲۵ سال و کمتر است، ۱۵/۲ درصد به گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال، ۱۷/۷ درصد به گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال، ۲۱/۸ درصد به گروه سنی ۳۶ تا ۴۰ سال، ۲/۱۵ درصد به گروه سنی ۴۱ تا ۴۵ سال، ۹/۹ درصد به گروه سنی ۴۶ تا ۵۰ سال و ۱۱/۹ درصد به گروه بیشتر از ۵۰ سال تعلق دارند، هم‌چنین ۷/۱ درصد نیز سن خود را ذکر نکردند. به لحاظ وضعیت تأهل ۶/۲۶ درصد از پاسخگویان متأهل و ۴/۷۱ درصد نیز مجرد هستند، و ۹/۱ درصد نیز وضعیت تأهل خود را ذکر نکردند. به لحاظ ترکیب تحصیلی ۰/۱۰ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی، ۴/۱ درصد راهنمایی، ۱/۹ درصد دیپلم یا دبیرستانی، ۲/۱۰ درصد فوق‌دیپلم، ۷/۴۲ درصد لیسانس، ۹/۲۸ درصد فوق‌لیسانس و ۱/۶ درصد دکتری هستند. هم‌چنین ۵/۱ درصد نیز تحصیلات خود را ذکر نکرده‌اند.

آزمون فرضیه‌ها

* رابطه‌ی هویت و اعتماد اجتماعی با نگرش به توسعه سیاسی

جدول شماره ۲: آزمون رابطه‌ی بین هویت و اعتماد اجتماعی با توسعه سیاسی

متغیرها	پیرسون	سطح معنی‌داری
اعتماد اجتماعی	۸۵۸/۰	۰۰۰/۰
هویت اجتماعی	۳۰۴/۰	۰۰۰/۰

جدول فوق نشان می‌دهد که میزان همبستگی این دو متغیر نگرش نسبت به توسعه سیاسی و اعتماد اجتماعی ۰/۸۵۸ است. جهت رابطه مثبت و شدت آن بسیار قوی و در سطح $Sig= 0/000$ معنادار است. این رابطه نشان می‌دهد با افزایش میزان اعتماد اجتماعی در بین افراد نگرش به توسعه سیاسی در بین ایشان نیز قوی‌تر می‌شود. همچنین میزان همبستگی دو متغیر نگرش به توسعه سیاسی و هویت اجتماعی ۰/۳۰۴ است. جهت رابطه مثبت و شدت آن متوسط و در سطح $Sig= 0/000$ معنادار است. این رابطه نشان می‌دهد با افزایش میزان هویت اجتماعی در بین افراد نگرش به توسعه سیاسی در بین ایشان نیز قوی‌تر می‌شود.

تأثیر هویت و اعتماد اجتماعی بر ابعاد سه‌گانه توسعه سیاسی

جدول شماره ۳: رابطه‌ی هویت و اعتماد اجتماعی با ابعاد سه‌گانه توسعه سیاسی

هویت اجتماعی		اعتماد اجتماعی		متغیر مستقل	ابعاد متغیر وابسته
معناداری	پیرسون	معناداری	پیرسون		
۰/۰۰۰	۰/۲۷۸	۰/۰۰۰	۰/۸۲۵		رضایت از اوضاع سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۲۵۳	۰/۰۰۰	۰/۸۱۵		احساس آزادی سیاسی
۰/۰۲۱	۰/۱۷۳	۰/۰۲۱	۰/۰۸۶		احساس تعلق به جامعه

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که هویت و اعتماد اجتماعی بر تمامی ابعاد سه‌گانه نگرش به توسعه سیاسی اثرگذار و جهت رابطه نیز مثبت است. بدین معنا که با افزایش هویت و اعتماد اجتماعی در بین شهروندان تهرانی، هریک از ابعاد سه‌گانه نگرش نسبت به توسعه سیاسی تقویت می‌شود.

تأثیر ابعاد اعتماد اجتماعی بر توسعه سیاسی

جدول شماره ۴: رابطه میان ابعاد اعتماد اجتماعی و توسعه سیاسی

توسعه سیاسی			متغیر وابسته
تعداد نمونه	معناداری	همبستگی	ابعاد متغیر اعتماد اجتماعی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۷۰۶	کنترل فساد اداری و مالی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۷۸۷	اعتماد به رسانه‌ها
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۵۸۷	عدالت در مجازات

۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۵۲۸	تسهیل تعاملات سیاسی - اجتماعی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۶۶۷	عدالت اقتصادی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۶۵۳	شفافیت اطلاعاتی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۶۵۲	شفافیت گفتاری
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۶۳۳	شفافیت رفتاری
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۵۹۳	فقدان خشونت ساختاری
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۷۹۶	اعتماد به نهادهای حکومتی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۳۶۵	میزان انعطاف‌پذیری

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که تمامی ابعاد اعتماد اجتماعی بر نگرش به توسعه سیاسی اثرگذار و جهت رابطه نیز مثبت است. بدین معنا که با افزایش هر یک از ابعاد اعتماد اجتماعی، نگرش افراد به توسعه سیاسی تقویت می‌شود.

* تأثیر ابعاد هویت اجتماعی بر توسعه سیاسی

جدول شماره‌ی ۵: رابطه‌ی میان ابعاد هویت اجتماعی و توسعه سیاسی

توسعه سیاسی			متغیر وابسته
تعداد نمونه	معداداری	همبستگی	
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۲	هویت ملی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۱۹۳	هویت جهانی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۱۶۷	هویت دینی
۷۲۴	۰/۰۰۰	۰/۲۱۳	هویت فرهنگی

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که تمامی ابعاد هویت اجتماعی بر نگرش به توسعه سیاسی اثرگذار و جهت رابطه نیز مثبت است. بدین معنا که با افزایش هر یک از ابعاد هویت اجتماعی، نگرش افراد به توسعه سیاسی تقویت می‌شود.

سطح مطلوبیت متغیرهای تحقیق

برای سنجش مطلوبیت نگرش افراد به توسعه سیاسی، اعتماد اجتماعی و هویت اجتماعی و ابعاد آنها، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌کنیم. لازم به ذکر است، از آنجایی که تعداد گویه‌های هر متغیر برابر نیست، لذا نمرات هر متغیر را ابتدا استاندارد کرده‌ایم که به صورت درصد درآمد و میانگین نظری آن را برای تمام متغیرها ۵۰ در نظر گرفته‌ایم.

جدول شماره‌ی ۶: آزمون T تک نمونه‌ای برای متغیرهای تحقیق و ابعاد آنها

Test Value = 50					متغیر
اختلاف میانگین	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	میزان آزمون t	
-۲۹/۹۰۳۳۱	۲۰/۰۹۶۷	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۳۵/۴۱۸	احساس آزادی سیاسی
-۲۹/۸۲۷۳۵	۲۰/۱۷۲۷	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۳۹/۲۱۷	رضایت از اوضاع سیاسی
۳۴/۸۲۳۹۰	۸۴/۸۲۳۹	۰/۰۰۰	۷۲۳	۵۷/۴۷۶	احساس تعلق به جامعه
-۱۸/۱۰۰۲۰	۳۱/۸۹۹۸	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۲۸/۵۰۷	توسعه سیاسی
-۲۳/۷۲۲۳۸	۲۶/۲۷۷۶	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۳۶/۷۴۷	کنترل فساد اداری و مالی
-۲۹/۷۹۱۰۹	۲۰/۲۰۸۹	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۳۵/۲۸۶	اعتماد به رسانه‌ها
-۳۰/۴۵۵۸۰	۱۹/۵۴۴۲	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۵۱/۱۷۴	عدالت در مجازات
-۲۳/۹۰۶۵۴	۲۶/۰۹۳۵	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۳۳/۰۸۱	تسهیل تعاملات سیاسی - اجتماعی
-۳۰/۸۰۱۱۰	۱۹/۱۹۸۹	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۳۱/۹۳۷	عدالت اقتصادی
-۳۲/۳۵۴۹۷	۱۷/۶۴۵۰	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۴۹/۵۶۸	شفافیت اطلاعاتی
-۳۴/۸۷۵۶۹	۱۵/۱۲۴۳	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۴۹/۷۸۴	شفافیت گفتاری
-۲۵/۰۱۷۲۷	۲۴/۹۸۲۷	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۳۷/۲۰۲	شفافیت رفتاری
-۱۸/۸۳۶۳۳	۳۱/۱۶۳۷	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۳۰/۰۴۳	فقدان خشونت ساختاری
-۳۱/۷۱۲۷۱	۱۸/۲۸۷۳	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۳۹/۳۲۷	اعتماد به نهادهای حکومتی
-۲۳/۸۹۵۰۳	۲۶/۱۰۵۰	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۳۰/۶۰۴	میزان انعطاف‌پذیری
-۲۷/۷۱۸۴۰	۲۲/۲۸۱۶	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۵۰/۶۰۷	اعتماد اجتماعی
-۱۸/۹۹۲۶۳	۳۱/۰۰۷۴	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۲۱-۷۵۴	هویت ملی
-۱۶/۵۷۴۵۹	۳۳/۴۲۵۴	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۲۶/۸۸۰	هویت جهانی
-۲۹/۸۶۹۰۱	۲۰/۱۳۱۰	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۴۳/۵۴۹	هویت دینی
-۱۷/۹۷۸۸۲	۳۲/۰۲۱۲	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۱۸/۸۴۶	هویت فرهنگی
-۲۰/۸۵۳۷۶	۲۹/۱۴۶۲	۰/۰۰۰	۷۲۳	-۳۸/۵۱۳	هویت اجتماعی

در جدول‌های فوق نتایج آزمون آماری t تک نمونه‌ای برای بررسی متغیر توسعه سیاسی و ابعاد سه‌گانه آن حاکی از آن است که بُعد احساس تعلق به جامعه در سطح مطلوبی است، و هم‌چنین متغیر اعتماد اجتماعی و ابعاد آن در سطح مطلوبی قرار نیست. هم‌چنین متغیر هویت اجتماعی و ابعاد چهارگانه آن نیز در سطح مطلوبی قرار

ندارند. با توجه به این که سطح معناداری آنها کمتر از ۰/۰۵ است، می توان گفت نتایج به دست آمده با لحاظ آماری قابل قبول است.

اولویت بندی هویت اجتماعی و ابعاد آن

جدول شماره ۷: مقایسه میانگین رتبه بندی شده شاخص های هویت اجتماعی

Sig.	df	Chi-Square	میانگین رتبه	هویت اجتماعی
۰۰۰/۰	۳	۲۱۵/۱۹۰	۲/۵۵	هویت ملی
			۲/۹۴	هویت جهانی
			۲/۰۰	هویت دینی
			۲/۵۲	هویت فرهنگی

در رتبه بندی به دست آمده از طریق آزمون فریدمن در خصوص بررسی و مقایسه اولویت بندی شاخص های هویت اجتماعی، شاخص هویت جهانی با میانگین رتبه ۲/۹۴، شاخص هویت ملی با میانگین رتبه ۲/۵۵، شاخص هویت فرهنگی با میانگین رتبه ۲/۵۲ و شاخص هویت دینی با میانگین رتبه ۲/۰۰ قرار دارد. با توجه مقدار کای اسکوئر به دست آمده (۲۱۵/۱۹۰) و سطح معناداری حاصله که کمتر از ۰/۰۵ است، می توان این اولویت بندی را به لحاظ آماری مورد تأیید دانست.

اولویت بندی توسعه سیاسی و ابعاد آن

جدول شماره ۸: مقایسه میانگین رتبه بندی شده شاخص های توسعه سیاسی

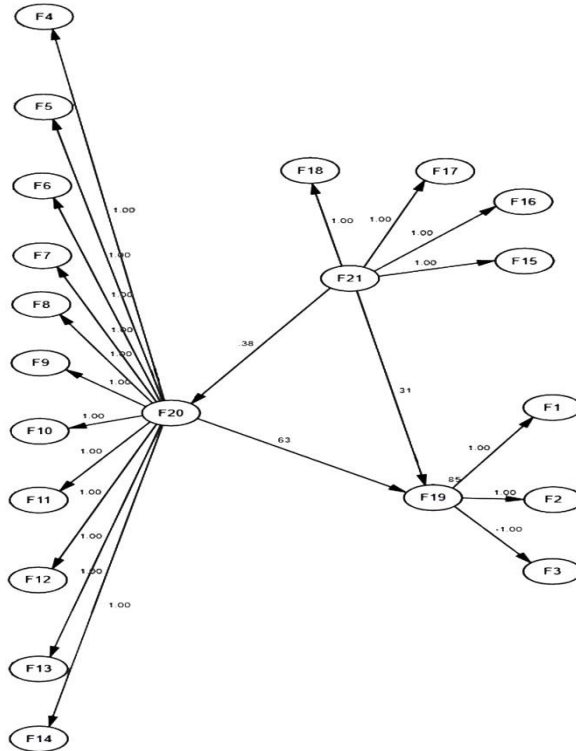
Sig.	df	Chi-Square	میانگین رتبه	توسعه سیاسی
۰/۰۰۰	۲	۱۰۶۱/۲۶۸	۱/۵۱	احساس آزادی سیاسی
			۱/۵۲	رضایت از اوضاع سیاسی
			۲/۹۸	احساس تعلق به جامعه

در رتبه بندی به دست آمده از طریق آزمون فریدمن در خصوص بررسی و مقایسه اولویت بندی شاخص های توسعه سیاسی، شاخص احساس تعلق به جامعه با میانگین رتبه ۲/۹۸ در رتبه اول، شاخص رضایت از اوضاع سیاسی با میانگین رتبه ۱/۵۲ در رتبه دوم و شاخص احساس آزادی سیاسی با میانگین رتبه ۱/۵۱ در رتبه سوم قرار دارد. با

توجه مقدار کای اسکوئر به دست آمده (۱۰۶۱/۲۶۸) و سطح معناداری حاصله که کمتر از ۰/۰۱ است، می توان این اولویت بندی را با لحاظ آماری مورد تأیید دانست.

معادلات ساختاری

برای پرازش مدل ابتدا همه ی متغیرها را در مدل وارد می کنیم.^۱



شکل شماره ۱: مدل اندازه گیری متغیرهای اعتماد و هویت اجتماعی با توسعه سیاسی

۱. علائم اختصاری مدل: احساس آزادی سیاسی (F1)، رضایت از اوضاع سیاسی (F2)، احساس تعلق به جامعه (F3)، توسعه سیاسی (F19)، کنترل فساد اداری و مالی (F4)، اعتماد به رسانه ها (F5)، عدالت در مجازات (F6)، تسهیل تعاملات سیاسی - اجتماعی (F7)، عدالت اقتصادی (F8)، شفافیت اطلاعاتی (F9)، شفافیت گفتاری (F10)، شفافیت رفتاری (F11)، فقدان خشونت ساختاری (F12)، اعتماد به نهادهای حکومتی (F13)، میزان انعطاف پذیری (F14)، اعتماد اجتماعی (F20)، هویت دینی (F15)، هویت جهانی (F16)، هویت ملی (F17)، هویت فرهنگی (F18)، هویت اجتماعی (F21).

شاخص‌های برازش مدل فوق در جدول زیر مشاهده می‌شود:

جدول شماره ۹: شاخص‌های برازش مدل^۱

Squared Multiple Correlations	شاخص‌های نیکویی برازش				
	IFI	CFI	NFI	RMSEA	CMIN/DF
Estimate	0/909	0/932	0/931	0/084	2/091
0/85					

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود حاصل تقسیم مقدار χ^2 بر درجه آزادی برابر با ۲/۰۹۱ است. مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۸۴ است. مقدار NFI، CFI و IFI نیز از نقطه برش تعیین شده بیشتر است. لذا مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است. به سخن دیگر می‌توان مدل را به جامعه آماری تعمیم داد. هم‌چنین با توجه به مقدار بدست آمده (Estimate= 0/85) می‌توان گفت که دو متغیر اعتماد و هویت اجتماعی تقریباً به میزان ۸۵ درصد توانسته است نگرش پاسخگویان به توسعه سیاسی را تبیین کند.

بحث و نتیجه‌گیری

موضوع اصلی تحقیق بررسی رابطه‌ی هویت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و نگرش به توسعه‌ی سیاسی است. هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است. هر فرد خاص یا کنشگر جمعی ممکن است دارای چند هویت باشد، وجود هویت‌های همگون و یکدست در جامعه بستر مناسب برای اعتماد اجتماعی را فراهم می‌نماید. هویت اجتماعی از عضویت در گروه‌های اجتماعی ناشی می‌شود. عصر جهانی شدن عصر خیزش دوباره‌ی ملی‌گرایان نیز هست، این واقعیت را می‌توان در بازسازی فراگیر هویت برپایه‌ی ملیت و البته همگام با هویت‌های جهانی در رسیدن به توسعه مشاهده کرد. طبق برخی از تحقیقات آرمی (۱۳۸۳)، تاملینسون (۱۳۸۳)، قلی‌پور (۱۳۸۴)، کاستلز (۱۳۸۰)، کاستلز (۱۳۸۵) و هال (۱۳۸۳) می‌توان گفت فرد در عین دارا بودن هویت ملی می‌تواند هویت جهانی داشته باشد، این هویت‌ها لزوماً در تقابل با یکدیگر نیستند بلکه می‌تواند در تعامل با هم قرار بگیرند و گامی در جهت توسعه‌ی سیاسی باشند.

۱. CMIN/DF (خی دو تقسیم بر درجه آزادی)؛ NFI (شاخص برازش تعدیل شده)؛ CFI (شاخص برازش مقایسه‌ای)؛ IFI (شاخص برازش افزایشی)؛ RMSEA (ریشه میانگین مجذور خطای برآورد).

از طرفی همه نظام‌ها به وجود اعتماد بین دولت و شهروندان نیاز دارند تا در مسیر توسعه گام بردارند. اعتماد عنصری اساسی در تمامی روندهای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرا در امور سیاسی است، و یک نظام سیاسی قبل از این‌که بخواهد وارد هر یک از این سه مرحله شود نیازمند سطحی از اعتماد مردم به خود است. هم‌چنین روند اعتماد اجتماعی نیز در این کشورها گویای این است که اعتماد اجتماعی در جوامع توسعه‌یافته بیشتر است. بنابراین به نظر می‌رسد رابطه‌ی اعتماد اجتماعی با توسعه‌ی سیاسی یک رابطه‌ی متقابل است.

در این مقاله سعی شده است سهم دو متغیر هویت اجتماعی و اعتماد اجتماعی و ابعاد آنها در نگرش شهروندان تهرانی نسبت به توسعه‌ی سیاسی بررسی شود. در راستای فرضیات تحقیق هر دو متغیر هویت و اعتماد اجتماعی و هر یک از ابعاد آنها بر نگرش به توسعه‌ی سیاسی اثرگذار بودند. بررسی برآزش حاصل از معادلات ساختاری نیز گویای این مطلب است که اثرگذاری بدست آمده از دو متغیر هویت اجتماعی و اعتماد اجتماعی و ابعاد آنها بر نگرش به توسعه سیاسی با اطمینان بالای منطبق بر جامعه آماری است. به طوری که این دو متغیر توانسته است حدود ۸۵ درصد نگرش به توسعه سیاسی را تبیین کند.

به لحاظ تئوریک نیز می‌توان گفت نتایج بدست آمده در راستای نظریات زتومکا و پاتنام است. زتومکا و پاتنام معتقدند اعتماد اجتماعی از متغیرهای اثرگذار بر توسعه سیاسی و زمینه‌ساز تعهد و وفاداری شهروندان به نظام سیاسی است. در این راستا یکی از نتایج این تحقیق مربوط به اثرگذاری شفافیت اطلاعاتی، رفتاری و گفتاری بر توسعه‌ی سیاسی است و زتومکا بر این متغیرها تأکید می‌کند. زتومکا یکی از عوامل ساختاری اعتماد را شفافیت نهادها و سازمان‌های اجتماعی می‌داند و نبود این شفافیت‌ها عملکرد و کارایی نظام سیاسی را مختل و روند توسعه‌ی سیاسی را دشوار می‌کند. تسهیل تعاملات سیاسی - اجتماعی نیز از عوامل اثرگذار بر نگرش به توسعه سیاسی است که با نظریه‌ی زتومکا قابل تبیین است. زتومکا تعامل و مشارکت مردم و سازمان‌ها و پاسخگویی سازمان در قبال مردم یا دیگر نهادها و سازمان‌ها را نشانه‌ای از تعامل سازنده و رو به جلو در فرآیند توسعه می‌داند. از دیگر متغیرهای اثرگذار بر نگرش به توسعه‌ی سیاسی اثرگذاری کنترل فساد اداری و مالی و اعتماد به نهادهای حکومتی است. براساس رهیافت زتومکا می‌توان استدلال کرد در صورتی که سازمانی

غنی، قابل دسترس و دارای نهادهایی با کارکرد مناسب باشد که استانداردها را تعیین کند، بازبینی‌ها و کنترل‌های لازم را نسبت به رفتار و عملکرد کارکنان و دست‌اندرکاران خود به عمل بیاورد، در آن صورت خطر سوء استفاده کاهش می‌یابد.

در بررسی سطح مطلوبیت ابعاد توسعه‌ی سیاسی بُعد احساس تعلق به جامعه در سطح مطلوبی قرار دارد. از آنجا که احساس تعلق به جامعه بُعدی از توسعه سیاسی است که ریشه در هویت اجتماعی و اعتماد میان افراد دارد. به نظر می‌رسد همبستگی این دو متغیر با احساس تعلق به جامعه سبب تقویت نگرش به توسعه سیاسی شده است که با نظریه‌ی گیدنز نیز همسو است. هم‌چنین نگاهی به اولویت‌بندی ابعاد نگرش به توسعه سیاسی نشان می‌دهد که احساس تعلق به جامعه اولویت اول افراد است.

بر مبنای نظریه‌ی گیدنز و با ارائه‌ی تحلیلی ساختاری (عامل - کارگزار) می‌توان گفت در سطح خرد اعتماد میان افراد و در سطح کلان هویت یکپارچه و منسجم در جامعه می‌تواند سطحی از تعلق بین افراد جامعه ایجاد نماید که نگرش به توسعه‌ی سیاسی افراد را شکل دهد، و این نتیجه‌ای است که یافته‌های این تحقیق بر آن صحنه می‌گذارد. در واقع نگرش افراد برآمده از اعتماد افراد در روابط اجتماعی و شکل‌گیری هویتی منسجم است. آموسی (۱۳۸۴) نیز در پژوهشی به این نتیجه دست می‌یابد. هم‌چنین نتیجه‌ی به دست آمده با نظریه‌ی استوارت هال نیز قابل تبیین است. هال در بحث هویت‌ها، فضایی گفتمانی را مدنظر قرار می‌دهد که در آن احساس تعلق به جامعه سبب شکل‌گیری هویتی یکپارچه در قالب هویت ملی است که تمامی نگرش‌ها و رفتارهای افراد درون این هویت را تحت شعاع قرار می‌دهد، و این یکی از نتایج اصلی پژوهش حاضر است.

به لحاظ تجربی هم می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر در خصوص اثرگذاری اعتماد اجتماعی بر توسعه‌ی سیاسی در راستای تحقیقات روتستین (۲۰۰۰)، آلبانو و باربارا (۲۰۰۹)، حسین بشیریه (۱۳۸۰)، کیان تاج‌بخش (۱۳۸۴)، میر طیب موسوی (۱۳۸۹)، پرویز پیران (۱۳۹۲) و آنتونی گیدنز (۱۳۷۸) قرار می‌گیرد.

منابع

- آرمی، آزاد (۱۳۸۳)؛ «مطالعه تطبیقی هویت محلی و جهانی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- آموسی، مجنون (۱۳۸۴)؛ «بررسی احساس تعلق به هویت ملی و قومی در بین جوانان شهر پیرانشهر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۵)؛ «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، دانشگاه تبریز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علوم اجتماعی.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)؛ *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بشیریه حسین (۱۳۸۰)؛ *موانع توسعه سیاسی در ایران*، تهران: نشر گام نو.
- بوستی، جیانکارلو (۱۳۷۹)؛ *درس‌های قرن بیستم*، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- پوپر، کارل ریموند (۱۳۷۷)؛ *جامعه باز و دشمنانش*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)؛ *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تهران: نشر شیرازه.
- تاملیسون، جان (۱۳۸۳)؛ *جهانی شدن و فرهنگ*، ترجمه محسن حکیمی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خادمی، بهبود؛ ایروانی، محمدرضا؛ دیندار، الهام (۱۳۹۰)؛ «بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های شهر جهرم)»، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر*، س ۵، ش ۱۳، صص ۱۵۸-۱۲۵.
- رفعت‌جاء، مریم (۱۳۸۳)؛ تأملی در باب هویت زنانه (اهمیت منابع فرهنگی و مادی در بازتعریف هویت اجتماعی زنان)، رساله دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶)؛ *اعتماد نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: نشر شیرازه.
- عبداللهی، محمد (۱۳۹۰)؛ *علل و موانع قانون‌گرایی در ایران*، نشر طرح نو.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)؛ *اعتماد اجتماعی در ایران: تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۸۴)؛ «جهانی‌شدن و هویت قومی (مطالعه تجربی: قوم لک در ایران)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)؛ *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)*، احد علیقلیان، افشین خاکباز، ویراستار علی پایا، تهران: طرح نو، ج ۱.
- ----- (۱۳۸۵)؛ *عصر اطلاعات، قدرت هویت*، ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات طرح نو.
- کیدقان، طاهره (۱۳۸۰)؛ «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)؛ *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ----- (۱۳۸۰)؛ *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- موسوی، میرطیب (۱۳۸۹)؛ «اندیشه سرمایه اجتماعی وفاق اجتماعی توسعه سیاسی و امنیت ملی»، *مجله علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج*، س ۸۹، ش ۱۳، صص ۱۳۸-۱۱۵.

– هال، استوارت (۱۳۸۳): *هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید*، ترجمه شهریار وقفی‌پور، فصلنامه ارغنون، س ۸۳، ش ۲۴، صص ۳۱۹-۳۵۲.

- Putnam (1993); *The Prosperious Community*; Social Capital and Public Life, The American prospect, 13, 35-42.
- Putnam R (2000); "social capital: measurement and consequence kennedy school of government", *Harvard university*, [Http:www.oecd.org/cer/obj](http://www.oecd.org/cer/obj).
- Roberto, Albano and Filipe, Barbara (2009); "Social Capital, Welfare state and Political Legitimacy", *American behavioral scientist*.
- Rothstein, Bo (2000); "Social Capital and Institution legitimacy", *Goteborg University*, Sweden.
- Sztompka, P. (1999); "trust and emerging democracy lessons from Poland", *internationalsociology*, Vol. 11.

Archive of SID